

## جشنواره شعر کودک ایران برگزیدگان خود را شناخت

آیین اختتامیه چهارمین جشنواره شعر کودک ایران با حضور شاعران کودک و نوجوان و با معرفی برگزیدگان، در تالار شیخ بهایی شاهین شهر برگزار شد. مصطفی رحماندوست، دبیر ادبی چهارمین جشنواره شعر کودک ایران، در آیین اختتامیه این جشنواره گفت: «همچنان آرزوی من این است که شاهین شهر، مرکز آکادمیک شعر کودک ایران شود.» او با بیان این‌که در دنیا رسم است برخی شهرها پایلوتی برای برخی رویدادها می‌شوند، افزود: «امسال اشعار بسیار

زیادی به چهارمین جشنواره شعر کودک ایران ارسال شد، به‌طوری که حتی در جشنواره‌های بین‌المللی نیز چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و این موضوع، جای خرسندی بسیار دارد، لازم است بگویم که فقط ۴۰۰۰ شعر در مورد غزه به دبیرخانه این دوره از جشنواره شعر کودک رسید.» در آیین اختتامیه چهارمین جشنواره شعر کودک ایران، بیانیه هیأت داوران قرأت و سپس اسامی شاعران برگزیده در این دوره از جشنواره اعلام شد. بر این اساس در بخش کودکان غزه،

# ارتباط فرانسوی برای خودتحقیری

نویسنده فرانسوی- الجزایری، کمال داوود، درحالی جایزه ادبی

گنکور فرانسه را برد که مواضع ضد اسلامی و ضد فلسطینی

او همواره مورد نفرت مردم کشورهای اسلامی است



ارش شفاهی گروه فرهنگ و هنر

وی این جایزه را که معمولاً فروش و شهرت یک اثر ادبی را در سطح دنیا، تضمین می‌کند برای جدیدترین رمانش به نام «دهه سیاه» دریافت کرد که به ماجراهای مربوط به جنگ داخلی الجزایر در پایان قرن بیستم می‌پردازد. نخستین بار نیست که او این جایزه را دریافت می‌کند، چراکه پیش از این برای نخستین رمانش در سال ۲۰۱۳ با عنوان «مرسور» چه کسی کشت» که روایتی از رمان «بیگانه» آلبر کامو از زاویه مخالف است، برنده جایزه گنکور برای رمان اول شد. برخی آثار این نویسنده، روزنامه‌نگار و مقاله‌نویس تاکنون در ایران منتشر شده‌اند. رقیب اصلی کمال داوود برای کسب جایزه امسال، گائل فایه، نویسنده، آهنگساز و خواننده رب متوله رواندا بود که با رمان «جاکاراند» به ماجرای بازسازی رواندا پس از نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ پرداخته‌است.

هیچ کس خوشحال نشد

اگر چند هفته پیش با انتخاب خانم هان کانگ به‌عنوان برنده جایزه ادبی نوبل، شادی کشور کره

### برش



سرمایه‌گذاری برای روشنفکری غرب‌زده

او مانند همه روشنفکران غرب‌زده، اروپا و جهان غرب را بهشت برین و کشورهای اسلامی و شرق را ویرانه‌ای تصور می‌کند که همه مشکلات و بدبختی‌هایش بخاطر اعتقادات مذهبی و ریشه‌های فرهنگی آنهاست. او هم مثل روشنفکران ایرانی غرب‌ستا معتقد

### دیدگاه

## پرفروش شدن را مردم تعیین می‌کنند

علی اصغر عزتی پاک، داستان‌نویس در گفت‌وگو با ایبنا با بیان این‌که هیچ‌کس جز مردم و جامعه تعیین‌کننده نهایی یک اثر خوب نیستند، بیان کرد: در چرخه پرفروش شدن، مردم بیش از هر چیزی سبیم هستند. به یاد دارم اثری را که از طرف ناشران رد شده بود و رسانه‌ها نیز توجهی به آن نداشتند، این اثر در نهایت با هزینه شخصی نویسنده چاپ شد و به مرور از سوی مردم حمایت شد و بعد ناشران برای چاپ مجدد درخواست دادند و حتی در جشنواره هم جایزه گرفت. پس مسأله اصلی مخاطب است و اگر نویسنده‌ای بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند، رسانه، ناشر و بعضاً جشنواره‌ها هم ناگزیر به‌سوی آن سرازیر می‌شوند. من این‌دست از بهانه‌ها را در میان نویسندگان نوعی بهانه‌تراشی قلمداد می‌کنم، به این خاطر که فکر می‌کنیم دیگران ما را باید به‌عنوان نویسنده معرفی کنند! درحالی‌که اثر یک رابطه دوسویه بین مؤلف و مخاطب است و باقی مسائل حاشیه‌است. همان‌طور که در طول این سال‌ها شاهد بودیم که جشنواره‌ها به بسیاری از کتاب‌ها جایزه داده‌اند اما پس از جایزه هیچ اتفاق خوبی برای اثر نیفتاد و از طرفی نیز شاهدیم که کتاب‌هایی که در جشنواره به آنها بی‌توجهی شده در بازار نشر مانند برگ زر فروش رفته‌است.



داشته‌است. وی به مهر گفت: ما حتی با شاعران جوان ایران هم ارتباط داریم ولی از طرف ایران حتی شعر شاعران بزرگ ما را هم نتوانده‌اند و نمی‌شناسند. دلایل زیادی برای این اتفاق وجود دارد و شاید یکی از مهم‌ترین دلایلش این باشد که به‌دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی زیاد در افغانستان، دید خوبی نسبت به این کشور وجود ندارد. این نگاه سیاسی و امنیتی باعث می‌شود یک نگاه منفی به‌وجود بیاید و شاعران فکر کنند که ادبیات افغانستان چیزی برای ارائه و عرضه کردن به جامعه ادبی ایران ندارد. افغانستان به‌دلیل این‌که صنعت نشرش در این بحران‌ها ناپود شده، در حوزه کتاب و نشر هم به ایران وابسته‌است و بسیاری از کتاب‌هایی که در ایران چاپ می‌شود، در افغانستان هم خریدار دارد. بخش‌های دانشگاهی و علمی هم همین‌طور است.

### ادبیات

## رابطه ادبی ایران و افغانستان یک‌طرفه است

سید سکندر حسینی، شاعر افغانستانی با بیان این‌که ما در افغانستان با بسیاری از شاعران که مثلاً در همین دهه ۷۰ و ۸۰ در ایران ظهور و بروز کردند، آشنا بودیم، گفت: این ارتباط فقط از سمت شاعران افغانستان وجود داشت؛ یعنی جامعه ادبی ایران کمتر به افغانستان توجه داشته‌است. وی به مهر گفت: ما حتی با شاعران جوان ایران هم ارتباط داریم ولی از طرف ایران حتی شعر شاعران بزرگ ما را هم نتوانده‌اند و نمی‌شناسند. دلایل زیادی برای این اتفاق وجود دارد و شاید یکی از مهم‌ترین دلایلش این باشد که به‌دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی زیاد در افغانستان، دید خوبی نسبت به این کشور وجود ندارد. این نگاه سیاسی و امنیتی باعث می‌شود یک نگاه منفی به‌وجود بیاید و شاعران فکر کنند که ادبیات افغانستان چیزی برای ارائه و عرضه کردن به جامعه ادبی ایران ندارد. افغانستان به‌دلیل این‌که صنعت نشرش در این بحران‌ها ناپود شده، در حوزه کتاب و نشر هم به ایران وابسته‌است و بسیاری از کتاب‌هایی که در ایران چاپ می‌شود، در افغانستان هم خریدار دارد. بخش‌های دانشگاهی و علمی هم همین‌طور است.

متبره هاشمی، باران ربیعی و معصومه معصوم‌زاده عناوین برگزیده را به‌دست آوردند. همچنین در بخش بزرگسال، مرگان بقایی پور، سمیه بابایی و مرضیه رشیدی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به‌دست آوردند و فرشته ابراهیمی نیا نیز شایسته تقدیر شناخته شد؛ ضمن این‌که در بخش کودک و نوجوان نیز سبحان کریم‌زاده، نگین دهقان و غزاله جعفری به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به‌دست آوردند وریحانه رضوانی نیز شایسته تقدیر شناخته‌شد.



به جعل تاریخ به نفع استعمارگران و مبتلایان به سندرم خودبیزاری و خودتحقیری متهم کردند.

پایان دادن به مباحث مربوط به دوران استعمار کشورش شد.

روابط شخصی و فکری میان کمال داوود با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه مشهور خاص‌وعام است. دوستی میان آنها به‌حدی است که وقتی چندسال قبل مکرون به الجزایر رفت، به شهر کوچکی رفت که زادگاه کمال داوود است. وقتی مکرون در اظهاراتی بی‌شرمانه مسأله استعمار الجزایر را زیر سؤال برد و گفت هیچ کشوری به‌نام الجزایر قبل از اشغال فرانسه وجود نداشته‌است، مردم و محافل روشنفکری الجزایر به‌شدت به او تاختند و او را متهم کردند که به ملت الجزایر و مبارزان راه آزادی در این کشور توهین کرده‌است.

دراین میان، کمال داوود مقاله‌ای نوشت و از این اظهارات توهین‌آمیز مکرون دفاع کرد و جالب این‌که نه‌تنها از دوستش مکرون دفاع کرد بلکه لبه تیز انتقاد را به سمت مردم الجزایر چرخاند و آنان را به نفرت بی‌دلیل از فرانسه متهم کرد. او نوشت: «به‌محض این‌که به الجزایری‌ها چیزی می‌گوییم، پاسخ می‌دهند که تقصیر استعمار است. اگر بگوییم این درست نیست که همه چیز را به گردن استعمار بیندازیم، می‌گویند

معلوم است که تو از استعمارگران حمایت می‌کنی. نه، من از امروز حمایت می‌کنم. از همین لحظه.» این اظهارات که به‌دنبال سفیدشویی از جنایت‌های خونی فرانسه در کشورهای آفریقایی از جمله الجزایر بود، موجی از انتقادات شدید به داوود و دیگر نویسندگان فرانسه‌پرست الجزایری را باعث شد؛ به‌گونه‌ای که آنها را

محافل مذهبی خواستار مرگ او شدند.

کمال داوود شخصیتی نامتعادل دارد که چندی پیش نیز جنجالی شد، وقتی همسرش به‌دلیل اعمال خشونت و کتک‌زدن از وی شکایت کرد. چنین شخصیت تندرو و نامتعادلی در رسانه‌های فرانسه همواره مورد توجه ویژه‌ای بوده، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی با او به‌طور پیوسته مصاحبه می‌کنند و مقالاتش هم در روزنامه‌ها منتشر می‌شود. دوبار

منفور حتی در فرانسه

کلکسیون اظهارات جنجالی این نویسنده با اظهاراتش درباره اسلام و هویت عربی کامل شده‌است. این اظهارات اورانه‌تنهادر مرزهای کشورش بلکه در تمامی سرزمین‌های عربی به یک نویسنده منفور و نوکر استعمار مشهور کرده‌است.

او نه‌تنها در جهان عرب، بلکه در خود فرانسه هم چندان محبوب نیست. اگرچه دست‌راستی‌های افراطی او را نویسنده‌ای شجاع و جسور می‌دانند اما مواضع ذلیلانه او در میان دانشگاهیان و روشنفکران چپ فرانسه همواره محکوم شده و او را آلت دست راست‌های افراطی برای اسلام‌هراسی می‌دانند. جالب اینجاست که او خود یک مهاجر است که تنهاسه سال است که اقامت فرانسه را دریافت کرده اما همواره از پذیرش مهاجران کشورهای مسلمان در کشورهای اروپایی انتقاد کرده‌است. انتقاد شرم‌آور او به این‌که مهاجران مرد عرب، افرادی هستند که در کشورهای خود عقده‌ای

شده‌اند و آمدن آنها به اروپای آزاد باعث از بین‌رفتن امنیت اروپایی‌ها می‌شود حتی توسط خوداروپایی‌ها محکوم شده‌است. داوود چندی پیش در مقاله‌ای در نیویورک تایمز محرومیت جنسی در جهان عرب را دلیلی برای ترس از مهاجران عرب دانست و این مقاله نفرت از این نویسنده را چندین برابر تشدید کرد.

هم که جایزه ادبی مشهور و پولساز فرانسه را برده و همواره در منظر عمومی به‌عنوان یک نویسنده درجه یک، در برابر چشم مخاطبان ادبیات جهان قرار داده می‌شود. رویکرد گنکور در جایزه‌دادن به چنین شخصیتی آن هم دوبار، بار دیگر این سؤال را مطرح می‌کند که واقعاً در جایزه‌هایی مانند این، ارزش ادبی اولویت است یا احساس تلقی جان‌نارانه به ارزش‌های غربی و ضد اسلامی؟

## سکوت و دیگر هیچ

این کاریکاتور نشریه البلاد که نواف الملا، کاریکاتوریست عرب آن را کشیده است، به‌خوبی بازگوکننده وضعیت فعلی جهان غرب و مجامع جهانی در برابر کشتار بی‌رحمانه و نسل‌کشی دامنه‌دار رژیم صهیونیستی در غزه است. رسانه‌ها، مجامع جهانی، نهادهای سیاسی و حقوقی به‌طور مرتب درباره لزوم پایان دادن به کشتار مردم محبت می‌کنند اما وقتی پای عمل و موضعگیری سریع به میان می‌آید، همگان در سکوتی عمیق فرو می‌روند و از دست زدن به هرگونه اقدام عدلی که رژیم صهیونیستی را به پایان دادن به جنگ وادار کند، خودداری می‌کنند.

# ادبیات

چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۳ ۶۹۰۰ شماره

### قفسه

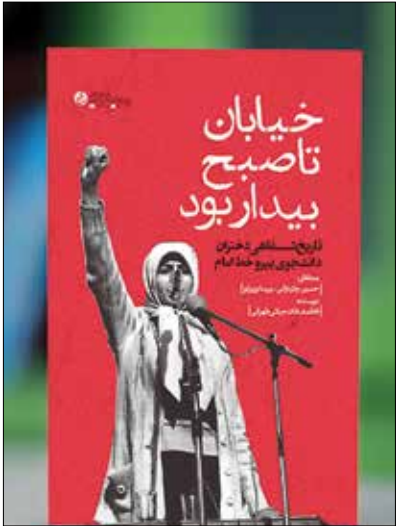
## خاطرات شفاهی دختران

## دانشجوی پیرو خط امام

کتاب «خیابان تا صبح بیدار بود»: تاریخ شفاهی دختران دانشجوی پیرو خط امام به‌نویسندگی فاطمه‌سادات حیاتی طهرانی از سوی انتشارات «راه‌یار» به بازار کتاب آمد.

درباره چرایی و چگونگی تسخیر سفارت آمریکا در ایران، کتاب‌ها نوشته شده و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها صورت گرفته و بازخوانی این رویداد از زبان قلم‌ها و آدم‌های بسیاری مرور شده‌است. ردیای زنان از پیش از انقلاب و در تمام حرکت‌های انقلابی سال ۱۳۵۷ نیز در تحركات و مسائل سیاسی کشور به وضوح دیده می‌شود، زنان همواره در تعیین سرنوشت کشور همدوش مردان جنگیده و در صحنه حضور داشته‌اند.

ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ نمونه‌ای مهم و شاخص در طی سالیان عمر انقلاب اسلامی است. در این روز دانشجویان یکی از اثرگذارترین حرکت‌های انقلابی را رقم زدند و اگرچه دختران و پسران دانشجوی‌پایه‌پای هم به لانه جاسوسی آمریکا یورش بردند اما در گذر سال‌ها، نقش زنان در این میدان کمتر به چشم آمده‌است.



درباره تسخیر سفارت آمریکا دو نکته کلیدی و مهم وجود دارد: اول، نقش مؤثر زنانی که برچمدار آزادی، غرور و زیبایی تماشایی حضورند در برابر بسیاری از هم‌عنوان‌شان در سراسر دنیا که پشت نقاب رنگ و تن و تبلیغات جنسی شکسته‌اند. دوم تعبیر حضرت امام از جسارت به‌موقع و تصمیم به‌جای دانشجویان و فرهیختگان در اعتراض به جاسوسی و پایگاه توطئه آمریکایی‌ها در ایران، همان «انقلاب دوم که بزرگ‌تر از انقلاب اول» بود.

در این کتاب سعی شده، حضور پررنگ و نقش مهم زنان تاریخ‌ساز در آن برهه حساس از زبان خودشان به رشته تحریر درآید، زنانی که هنوز و همچنان افتخار آفرین و غرورآمیز، سنگر سازندگی و مقاومت را خالی نکرده‌اند و پایه‌پای مردان این سرزمین پرماجرا برای حفظ و اعتلای فرهنگ ایران اسلامی می‌کوشند. کتاب خیابان تا صبح بیدار بود، خاطرات ۱۰ نفر از دختران دانشجوی پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را روایت می‌کند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «نزدیک اذان صبح برای وضو به بیرون از ساختمان رفته بودیم. هنوز صدای همه‌همه مردم و سروصدا می‌آمد. انگار مردم خوابیده بودند. بیرون سفارت را نگاه کردیم تا ببینیم چه خبر است، همه داشتند راه می‌رفتند و حرف می‌زدند. حضور مردم در آنجا شبانه‌روزی بود. چادرهای کوچکی سرپا کرده و در سطل‌های فلزی چوب می‌گذاشتند و آتش روشن می‌کردند. بعضی از آنها هم بساط چای و سماور بزرگ به راه می‌انداختند و از ضبط صوت ترانه «ایران ایران» رضا رویگری را پخش می‌کردند. خلاصه خیابان تا صبح بیدار بود...». کتاب خیابان تا صبح بیدار بود با تحقیق حسین چارداولی و بریسارو زیلرو، نویسنندگی فاطمه‌سادات حیاتی طهرانی با ۳۶۸ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و بهای ۲۲۵ هزار تومان از سوی انتشارات راه‌یار به پیشخوان کتابفروشی‌ها آمد.

### قاب مقاومت

